

دومین همایش سینما و معماری برگزار شد

شهر در آینه سینما

خیلی از فیلم‌هایی که صحنه‌های پر زد و خورد و تأثیرگذار دارند، از معماری‌های مدرن و مینی مال برای صحنه استفاده شده است.

- تهمی نژاد :

مستندسازان ماهر، حتی اگر به شکل تخصصی فعالیت کنند، هر روز راجع به یک موضوع فیلم می‌سازند و مسلماً تخصص لازم برای بحث و روایت صحیح از معماری را نیز ندارند و متأسفانه ارتباط مناسبی هم با معماران برقرار نمی‌کنند.

- آزاده شاهچراغی :

اتفاقاً ما در فیلم‌های داستانی که جزئی از معماری را سپری می‌کنیم، دید از درون فضا و زندگی در فضا را روایت می‌کنیم که تفاوت بنیادین مجسمه و معماری است. فیلمهای آقای مهرجویی (اجاره نشین‌ها) و خانم بخت آور (دایره زنگی) هر دو در آپارتمان اتفاق می‌افتند و با اینکه هیچ یک از کارگردانان توجه خاصی به معماری نکرده‌اند ولی منابع خوب اطلاعاتی خواهند بود. یعنی دقت خوب دو کارگردان درک معماری را برای ما سهل و آسان می‌کند.

- دکتر بندرآباد :

این موضوع، بستگی کامل به نگاه مستندساز دارد و مستند صرفاً به این معنی نیست که نگاه کالبدی به محیط داشته باشیم و این نگاه باید با الگوهای رفتاری توأم باشد. بطور مثال نوع زندگی در فرهنگ استفاده‌کنندگان از فضا هم مهم است.

■ مخاطبان معماری، که یک هنر پلاستیک (تجسمی) است، به طور بی واسطه فضاهای آن را درک می‌کنند. به نظر شما سینما به عنوان یک هنر دراماتیک (نمایشی) تا چه اندازه در انتقال صحیح این ادراک واسطه مناسبی است؟

- ناصر نصیر :

دو ضرورت وجود دارد، اول اینکه هنرمند فیلمساز از احساساتی که فضا به مخاطبان خود القاء می‌کند ادراک صحیحی داشته باشد و دوم اینکه هنرمند فیلمساز توانایی بیان چیزی را که درک کرده، داشته باشد.

- راستین :

دراماتیک یکی از شیوه‌های روایی در هنر است و هنر دراماتیک در واقع وجود ندارد. به نظر من منظور شما آشناسازی است که در نگاه من، این اتفاق هم می‌افتد. پله، درب و ورودی، همه عناصر دراماتیک هستند که اتفاقاً از روایت وام گرفته‌اند.

- ایرج کلانتری :

قطعاً این اتفاق می‌افتد. در یک اثر معماری عده معدودی از آدم‌ها با اثر ارتباط برقرار می‌کنند. در ارزیابی آن اثر افرادی که از نزدیک فضا را تجربه کرده‌اند قضاوت بهتری از آن دارند. اما در سینما کارگردان،

همایش سینما و معماری، با موضوع شهر و فضای شهری در آبان‌ماه ۸۷ از سوی فرهنگستان هنر برگزار شد. موضوع همایش، اگر چه با استقبال زیادی مواجه نشد اما قابل توجه بود. این روست که علیرغم گذشت چند ماه می‌توان اشاراتی به آن داشت. برخی پاسخها به سوالات "منظر" قابل تامل است که با هم می‌خوانیم:

■ آیا در سینمای مستند ایران به دغدغه معمار در خلق فضا توجه می‌شود؟ گویا معماری در آثار مستندسازان ایرانی فقط به کالبد محدود می‌شود.



مجتبی هوشنگیان شیرازی

کارشناس معماری



- ناصر نصیر :

این مسئله به شناخت فیلمساز و ارتباط او با معماری بستگی دارد. متأسفانه این دیالوگ بین معماران و اجتماع، از جمله هنرمندان سینما کم است. بنابراین اگر یک فیلمساز به اندازه کافی از این آشنایی برخوردار باشد، ممکن است به مولفه‌هایی که به خلق معماری منجر شده اند دست یابد. نمونه‌هایی از آثار خوب مستند جهان، که معماری را به نحو مناسب معرفی کرده‌اند، وجود دارد. مثل فیلم باد صبا، اثر آلبرت لاموریس که اثر قابل تاملی است. در این آثار معمار با دیدن فیلم به کانسپت‌ها و ویژگی‌های اثر معماری به خوبی پی می‌برد.

- شادمهر راستین :

در پائین‌ترین سطح، حتی یک عکس هم بنا را ثبت می‌کند، یعنی مستندسازی به ثبت یک سند تنزل می‌یابد و بنا هم به شکل ظاهری و بیرونی خود منحصر می‌شود. درخصوص این که چرا سینما نمی‌تواند روح معماری را ارائه بدهد، پرسش اساسی این است که مگر بقیه هنرها می‌توانند این کار را انجام دهند، چراکه روح معماری در زندگی کردن در بنا حاصل می‌شود.

- سینا احمدی :

معماری، متأسفانه خود به خود در حال تبدیل شدن به مجسمه است و این مسئله چندان ربطی به معرفی سینما از آن ندارد. البته گاهی فیلم‌های مستندی تولید می‌شود که اساساً به این دلیل ساخته شده‌اند که ما اینگونه معماری را درک کنیم ولی تلقی سینماگر از فضا، در حال مطرح شدن است.

- ایرج کلانتری :

فضاهای مختلفی در معماری وجود دارد، دراماتیک، دلپره آور، آرام بخش و یا دینامیک! اما بعضی از کارگردانان، از فضای معماری طوری استفاده می‌کنند که اصولاً هدف معمار از ایجاد آن فضا چیز دیگری بوده است. با یک بررسی به راحتی متوجه می‌شویم که موضوع نظرات دو فضلساز کاملاً مجزا، یعنی معمار و فیلمساز است. مثلاً در



از راست به چپ: حمیدرضا ناصر نصیر، ایرج کلاتتری، آزاده شاهچراغی، محمد تهامی نژاد، علیرضا بندرآباد، شادمهر راستین

ارزشی بودن و یا بی ارزش بودن فضا را معین می نماید.

– شاهچراغی:

رسانه خاصیت واسطه‌گری دارد و رسان همان معنی رابطه بودن را در خود پنهان دارد. به نظر من، سینما ممکن است خاطره ای را زنده کند چون با قدرت بصری و بینایی شما در ارتباط است، اما تجربه کاملی از یک فضا را به شما نخواهد داد. تکنولوژی در سینما، اثرات مختلفی را انتقال می دهد و کامل می کند ولی هنوز واسطه‌گری وجود دارد و نمی تواند به تنهایی فضا را انتقال دهد.

■ نظر شما در مورد دستاورد همایش معماری و سینما و نسبت مطرح شده بین این دو هنر چیست؟

– ناصر نصیر:

مطالب خوب دسته بندی شده بودند و درصد بالایی از مطالب پرمحتوا بودند.

– راستین:

بیشتر از همه، ارتباط با آدم ها و بوجود آمدن همین فضای بیرونی که حالت پاتوق به خود گرفته است، جایی که با هم حرف می زنیم و فضایی را در یک شهر بوجود می آوریم، دستاورد اصلی این همایش هاست و اصولاً دستاورد دیگری از چنین همایشی نباید انتظار داشت.

– تهامی نژاد:

دستاورد چنین همایش هایی، کتاب و مقالاتی است که چاپ می شوند. با این هدف که در سالهای آتی توقع ما را از چنین مجامعی افزایش دهند.

– ایرج کلاتتری:

من، چند فیلم مستند برای پخش در این همایش انتخاب کرده بودم که نمی دانم چرا به نمایش در نیامد. فیلمی به نام معمار من، که پسر لویی کان در مورد پدرش ساخته است. او از فیلمسازان مطرح به حساب می آید. او با پدر خود بزرگ نشده و هدف او از ساخت این فیلم، شناخت پدر از منظر معماری بوده است.

■ به نظر شما، چرا سینماگران در این همایش حضور ندارند؟ به

عنوان برگزار کننده، مخاطب یا ارائه دهنده مقاله؟

– ناصر نصیر:

نمی دانم چرا بطور عام استقبال از چنین همایش هایی کمتر است و بیشتر اینجا معماران را می بینیم تا سینماگران!

– راستین:

سینماگرها ذاتاً احساس بی نیازی می کنند و ظاهراً دیگران به آنها احتیاج دارند. سینماگران ایرانی که دو چندان بی نیازند و حتی می شود گفت: مستثنی هستند. منظورم مرحله چهارم سیر عشق است، یعنی به غنا رسیده اند.

علت عدم حضور سینماگران – بصورت عام – و یا سینماگرانی که دعوت شده بودند این است که، برای آنها، سوال بوجود نیامده است.

– سینا احمدی:

ظاهراً این همایش را معماران دنبال کرده‌اند و ارتباطی با سینماگرها ندارد که چرا معماران رابطه خود را با سینما جستجو کرده‌اند.

– ایرج کلاتتری:

به نظر من چون جامعه معماری، سینما را یک ورود مناسب به عرصه هنری می داند و عدم حضور سینماگرها به چشم من هم آمده است.

– تهامی نژاد:

چند دلیل وجود دارد، یکی، راه دور سالن برگزاری است و دلیل دیگر اینکه سینماگرها احساس می کنند اتفاق جالبی اینجا رخ نمی دهد. اتفاقی که بتوانند در جهت فیلمسازی آنها را یاری کند که او را به این فضا بکشاند. اصولاً به نظر شما یک سینماگر برای دیدن چه چیزی به این فضا بیاید؟

– شاهچراغی:

چون سینماگرها، محافل اجتماعی و فرهنگی زیادی نسبت به معماران دارند و شاید این نوع همایش ها برای آنان کسل کننده است.

– بندر آباد:

به عقیده من سینماگرها طبق یک نظر سنتی، علاقه ندارند که از دیگر حرفه‌ها بخواهند شیوه تخصصی آنها را نقد و یا تحلیل کنند.

